

آفتاب داغ و سوزنده نیمروز هیچدهم ماه ذی-  
الحجه؛ بر سر زمین غدیر خم؛ به شدت می تابید،  
ودشت و بیابان را با اشعه خود گرم و سوزان ساخته  
بود و گروه انبوهی که تاریخ، تعداد آنها را از  
هفتاد هزار، تا صد و بیست هزار ضبط کرده است،  
در آن نقطه به فرمان پیامبر خدا، فرود آمده بودند  
و در انتظار حادثه تاریخی آن روز؛ به سر می بردند،  
وازشدت گرما، رداء را دو نیم کرده، نیمی بر سر،  
و نیم دیگر را زیر پا، انداخته بودند.

در این لحظات حساس، طنین اذان نماز ظهر؛  
سراسر بیابان را فرا گرفت؛ و ندای تکبیر مؤذن،  
بلند شد، و مردم، خود را برای ادای نماز ظهر آماده  
کردند؛ و پیامبر نماز ظهر را با آن اجتماع پر شکوه؛  
که هرگز سر زمین غدیر، نظیر آن را به خاطر نداشت،  
بر گزارد؛ سپس به میان جمعیت آمد و روی نقطه  
بلندی که از جهازشتر، ترتیب یافته بود، قرار گرفت  
و با صدای بلند؛ خطبه ای به شرح زیر ایراد کرد:  
ستایش از آن خدا است؛ از او یاری می خواهیم،  
و به او ایمان داریم؛ و بر او توکل می کنیم و از  
شر نفسهای خویش و بدی کردارها، به خدائی که  
جز او برای گمراهان، هادی و راهنمائی نیست؛  
پناه می بریم؛ به خدائی که هر کس را هدایت نمود  
برای او گمراه کننده ای نیست؛ گواهی می دهیم،  
خدائی که جز او خدائی نیست، و محمد، بنده خدا  
و فرستاده او است.

هان ای مردم! من نزدیک است که دعوت حق را،  
لیک بگویم و از میان شما بروم و من مسئول و شما  
نیز مسئول هستید؛ درباره من؛ چه فکری کنید؟

فرمان حضرت کر از زنده گان

لا یدرین وقت یحییٰ بن داغ

(۱۰)

سُبْحَانِ جَعْفَرِ

واقعه تاریخی

غدیر

یک خاطره

جاودانی

گشت وهمه جمعیت ؛ علی را در کنار پیامبر دیدند و او را به خوبی شناختند و فهمیدند که مقصود از این اجتماع ، حادثه ایست که مربوط به علی (ع) می باشد و همگی با ولع خاصی آماده شدند که به سخنان پیامبر گوش فرا دهند .

- پیامبر: هان ای مردم ! سزاوارترین فرد بر مؤمنان از خود آنها کیست ؟.

- یاران پیامبر: خداوند و پیامبر او بهتر می دانند.

- پیامبر: خداوند مولای من و من مولای مؤمنان

هستم، و بر آنها از خودشان اولی و سزاوارترم، هان ای مردم «من کنت مولاة فطلی مولاة» - «من بر هر کس از خود او سزاوارترم، علی نیز بر او سزاوارتر است» و این جمله را سه بار تکرار نمود (۱)

سپس گفت پروردگارا ، دوست بدار کسی را که علی را دوست بدارد ؛ و دشمن بدار کسی را که علی را دشمن بدارد ، خدایا ، یاران علی را یاری کن ؛ و دشمنان او را خوار و ذلیل نما ؛ پروردگارا ، علی را محو و حق قرار بده . سپس افزود : لازم است حاضران به غائبان خبر دهند و دیگران را از این حادثه مطلع سازند .

هنوز اجتماع با شکوه به حال خود برپا بود که فرشته وحی فرود آمد و به پیامبر گرامی ؛ بشارت داد که خداوند ؛ امروز آئین خود را ، تکمیل نمود، و نعمت خویش را بر جامعه با ایمان ؛ ارزانی داشت (۲)

در این لحظه ، صدای تکبیر پیامبر بلند شد و فرمود:

- یاران پیامبر: گواهی می دهیم که تو آئین خدا را تبلیغ نمودی ، و نسبت به ما ، خیر خواهی و نصیحت کردی، و در این راه کوشش نمودی؛ خداوند به تو پاداش نیک بدهد .

- پیامبر: (وقتی سکوت و آرامش بر آن جمعیت حکمفرما شد) آیا شما گواهی نمی دهید که جز خدا؛ خدائی نیست و محمد بنده خدا و پیامبر او است ، بهشت و دوزخ و مرگ حق است و روز ستاخیز بدون شك فرا خواهد رسید ؛ و خداوند افرادی را که در خاک پنهان شده اند ؛ زنده خواهد نمود ؟

- یاران پیامبر: آری ؛ آری گواهی می دهیم .

- پیامبر: من در میان شما دو چیز گرانبها ؛ به یادگار می گذارم چگونه با آنها معامله خواهید کرد ؟

- ناشناس: مقصود از این دو چیز گرانبها چیست ؟...

پیامبر: **ثقل اکبر** ؛ کتاب خدا است که یک طرف آن در دست خدا ، و طرف دیگرش در دست شما است . به کتاب او چنگ بزنید تا گمراه نشوید و **ثقل اصغر** ؛ عترت و اهل بیت من است، خدایم به من خبر داده که دو یادگار من تا روز ستاخیز از هم جدا نمیشوند .

هان ای مردم ! بر کتاب خدا و عترت من سبقت و پیشی نگیرید و از آن دو، عقب نمانید ، تا نابود نشوید .

این موقع پیامبر، دست علی را گرفت و بالا برد تا جائی که سفیدی زیر بغل او، بر همه مردم نمایان

(۱) بنا به نقل امام احمد بن حنبل در مسند ، پیامبر (ص) این جمله را چهار بار تکرار کرد .

(۲) الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی و رضیت لکم الاسلام دینا (سوره مائده آیه ۳)



## واقعه غدیر واقعه‌ای که فراموش

نمی‌شود:

ارادهٔ حکیمانه خداوند بزرگ، براین تعلق گرفته است که واقعهٔ تاریخی غدیر، در تمام قرون و اعصار، به صورت یک تاریخ زنده که دلها، به سوی آن جذب شوند، بماند و در هر عصر و زمانی؛ نویسنده‌گان اسلامی در کتابهای تفسیر و حدیث و کلام و تاریخ؛ پیرامون آن سخن بگویند، و گویندگان مذهبی در مجالس وعظ و خطابه درباره آن، داد سخن دهند، و آن را از فضائل غیر قابل انکار امام بشمارند؛ نه تنها خطبا و گویندگان بلکه شعرا و سرایندگان، از این واقعه؛ الهام گرفته و ذوق ادبی خود را از تفکر و اندیشه، پیرامون این حادثه؛ و از مزید اخلاص به صاحب ولایت، مشتعل ساخته، عالیترین قطعات را به صورتهای گوناگون به زبانهای مختلف از خود بیادگار بگذارند.

از این جهت؛ کمتر واقعه تاریخی در جهان بسان رویداد «غدیر» مورد توجه گروه دانشمندان؛ از محدث و مفسر، از متکلم و فیلسوف، از خطیب و شاعر، از مورخ و سیره نویس؛ قرار گرفته و این اندازه، درباره آن عنایت مبذول شده است.

یکی از علل ابدیت و جاودانی بودن این حدیث، نزول دو آیه از آیات قرآن؛ پیرامون این واقعه است (۳)

خدا را سپاسگزارم که آئین خود را کامل گردانید، و نعمت خود را، به پایان رسانید و از رسالت من ولایت علی پس از من، خشنود گشت.

پیامبر از جایگاه خود پائین آمد و یاران او، دسته دسته، به علی (ع) تبریک می‌گفتند و او را مولای خود و مولای هر مردوزن با ایمانی، می‌خواندند، در این موقع «حسان بن ثابت» شاعر رسول خدا، برخاست و این پدیده تاریخی را در قالب شعر ریخت و به این حادثه؛ رنگ جاودانی بخشید. از چکامه اوقف به ترجمه دو بیت می‌پردازیم:

پیامبر به علی فرمود: برخیز که من ترا برای پیشوایی مردم و راهنمایی آنان؛ پس از خود برگزیدم هر کس که من، مولای او هستم؛ علی نیز؛ مولای او است. (۱)

مردم! بر شما لازم است از پیروان راستین و دوستداران واقعی علی باشید (۲).

آنچه که نگارش یافت خلاصه این واقعه تاریخی است که در مدارک دانشمندان اهل تسنن؛ وارد شده و در کتابهای، شیعه این واقعه؛ به طور گسترده تر؛ بیان گردیده است.

مرحوم طبرسی در کتاب «احتجاج» خطبه مشروحی از پیامبر نقل می‌کند که علاقمندان می‌توانند به آن کتاب مراجعه کنند.

رضیتک من بعدی اماما و هادیا

فکونوا له اتباع صدق موالیا

(۱) قال لهم قم یا علی فانتی

فمن کنت مولاه فهذا؛ ولیه

(۲) احتجاج طبرسی ج/۱ ص ۷۱-۸۴ چاپ نجف

(۳) آیه «یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیک من ربک ...» سوره مائده آیه ۶۷: «الیوم اکملت

لکم دینکم...» سوره مائده آیه ۳





و تا روزی که قرآن ، ابدی و جاودانی است ؛ این واقعه تاریخی نیز ، ابدی بسوده و ازخاطرها محو نخواهد شد .

از آنجا که جامعه اسلامی ، در اعصار دیرینه ؛ وهم اکنون جامعه شیعه ، آن را ، یکی از اعیاد مذهبی می شمارند ، مراسم را که در دیگر اعیاد اسلامی برپا می دارند ، در این روز نیز انجام می دهند ، طبعاً واقعه تاریخی غدیر ، رنگ ابدیت به خود گرفته و هیچ گاه از خاطرها فراموش نمی شود .

از مراجع به تاریخ ، به خوبی استفاده می شود که روز هجدهم ذی الحجة الحرام در میان مسلمانان به نام روز عید غدیر ، معروف بود ، تا آنجا که «ابن خلکان» درباره «مستعلی بن المستنصر» می گوید : در سال (۳۸۷هـ) در روز عید غدیر که روز هجدهم ذی الحجة الحرام است مردم با او بیعت کردند (۱) .

و درباره «المستنصر بالله» ، «العبدی» می نویسد : وی در سال (۳۸۷هـ) دوازده شب به آخر ماه ذی الحجة باقی مانده بود ، در گذشت ، این شب همان شب هجدهم ماه ذی الحجة شب عید غدیر است . (۲)

نه تنها «ابن خلکان» این شب را شب عید غدیر می نامد بلکه مسعودی (۳) و ثعالبی (۴) نیز این شب را از شبهای معروف در میان امت اسلامی ، شمرده اند .

ریشه این عید اسلامی به خود روز غدیر باز می-

گردد ، زیرا در آن روز ، پیامبر به مهاجر و انصار ، بلکه به همسران خود ؛ دستور داد که بر علی وارد شوند ؛ و به او در مورد چنین فضیلت بزرگی ، تبریک بگویند .

زید بن ارقم می گوید : نخستین کسانی از مهاجر که با علی دست دادند ؛ ابو بکر ، عمر ، عثمان و طلحه و زبیر بودند و مراسم تبریک و بیعت تا مغرب ادامه داشت .

### دلایل دیگر ابدیت واقعه

در اهمیت این رویداد تاریخی ، همین اندازه کافی است که صد و ده نفر صحابی ، این حدیث را نقل کرده است البته این جمله نه به آن معنی است که از آن گروه زیاد ، تنها همین افراد ، این حادثه را نقل کرده اند بلکه تنها در کتابهای دانشمندان اهل تسنن ، نام صد و ده تن ؛ به چشم می خورد ؛ درست است که پیامبر ، سخنان خود را در اجتماع صد هزار نفری ؛ القاء نمود ولی گروه زیادی از آنان ، از نقاط دور دست حجاز بودند که از آنها ، حدیثی نقل نشده است و گروهی از آنها که این واقعه را نقل کرده اند تاریخ ، موفق به درج آن نگردیده و اگر هم درج کرده است به دست ما نرسیده است .

در قرن دوم اسلامی که عصر «تابعان» است هشتاد و نه تن از آنان ، به نقل این حدیث پرداخته اند . روایان حدیث در قرنهای بعدی ؛ همگی علماء و دانشمندان اهل تسنن ، می باشند و سیصد و شصت

(۱) و (۲) وفيات الاعيان ج ۱ ص ۶۰ - ج ۲ ص ۲۲۳

(۳) التبيه والاشراف ص ۲۲

(۴) ثمار القلوب ص ۱۱ ۵



تن از آنها ، این حدیث را در کتابهای خود آورده ، و گروه زیادی به صحت و استواری آن اعتراف نموده اند .

در قرن سوم ، **نود و دو دانشمند** ، و در قرن چهارم **چهل و سه** ؛ و در قرن پنجم **بیست و چهار** ، و در قرن ششم **بیست** ، و در قرن هفتم **بیست و یک** ، و در قرن هشتم **هیجده** و در قرن نهم **شانزده** و در قرن دهم ؛ **چهارده** و در قرن یازدهم **دوازده** ، و در قرن دوازدهم **سیزده** ، و در قرن سیزدهم **دوازده** ، و در قرن چهاردهم **بیست** دانشمند این حدیث را نقل کرده اند .

گروهی ، تنها به نقل حدیث اکتفا نکرده اند بلکه پیرامون اسناد و مفاد آن ، مستقلاً کتابهایی نوشته اند .

مورخ بزرگ اسلامی «طبری» کتابی به نام «الولایة فی طرق حدیث الغدیر» نوشته و این حدیث را از

تجاوز از هفتاد طریق از پیامبر نقل کرده است .  
«ابن عقده کوفی» در رساله «ولایت» این حدیث را **از صد و پنجم** تن نقل کرده است .

«ابوبکر محمد بن عمر بغدادی» معروف به «جعانی» ، این حدیث را از بیست و پنج طریق نقل نموده است .

تعداد کسانی که مستقلاً پیرامون خصوصیات این واقعه تاریخی ؛ کتاب نوشته اند بیست و شش نفر می باشند .

دانشمندان شیعه ، پیرامون این واقعه تاریخی ؛ کتابهای ارزنده ای نوشته اند و جامع تراجمه کتاب تاریخی «**الغدیر**» است که به خامه توانای نویسنده نامی اسلامی علامه مجاهد مرحوم آیت الله امینی نگارش یافته است و در نگارش این بخش از زندگانی امام از این کتاب استفاده فراوانی به عمل آمد .

## از اسرار اتم

اتم بسیار بسیار کوچک است برای اینکه بتوان کوچکی آنرا مجسم کرد باید گفت که حتی  $500/000/000$  دانه اتم با اندازه متوسط اگر روی یک صفحه قرار گیرد به چشم دیده نخواهد شد اما این ذره ریز و شگفت انگیز دارای فضای خالی است و هسته اتم تنها یک صدهزارم قطر خود اتم میباشد ؛ سرعت الکترونها بدور هسته بقدری زیاد است که فضای خالی بنظر کاملاً پر شده می آید .

«کتاب قهرمانان علم ص ۴۰۶»